

یلک وزیر ایران دوست

ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی

۲

بتلم آقای نصرافندی

ایران دوستی او فضل بن احمد اسفراینی وزیری ایران دوست بود و بزبان پارسی و آداب و رسوم ملی ایران دلبستگی بسیار داشت، چنانکه در وزارت خویش فرمان داد دفاتر دیوانی و مکاتبات دولتی را که پیش از وی بتازی نوشته میشد پارسی نویسند و از نوشتن مراسلات و دفاتر بزبان بیگانه تازی اجتناب کنند. عتبی در تاریخ یمینی بدین امر اشاره کرده و ایران پرستی وزیر را با عبارات ذیل به «بی بضاعت بودن او در صناعت دبیری» تعبیر نموده است؛ چنانکه در بیان احوال احمد بن حسن میمندی مینویسد:

«... وزیر ابوالعباس در صناعت دبیری بضاعتی نداشت و به ممارست قلم و مدارات ادب ارباب نیافته بود و در عهد او مکتوبات دیوانی بفارسی نقل کردند و بازار فضل کاسد شد و ارباب بلاغت و براعت را رونق برفت و عالم و جاهل و مفضول و فاضل در مرتبت مساوی شدند و چون مسند وزارت بفضل و فضائل شیخ جلیل آراسته شد کوکب کتابت از مهاوی هبوط باوج شرف رسید و گل فضائل و مآثر بیاد قبول او شکفته شد و رخساره فضل و ادب به مکان تربیت او برافروخت و بفرمود تا کتاب دولت از پارسی اجتناب نمایند و بقاعده مهود مناشیر و امثله و مخاطبات بتازی نویسند، مگر جائیکه مخاطب از معرفت عربیت و فهم آن قاصر و عاجز باشد...»

مقصود عتبی از بی بضاعت بودن ابوالعباس اسفراینی در صناعت دبیری ظاهراً آنست که در زبان تازی تھی دست و بی مایه بوده و بدین سبب بزبان پارسی توجه نموده

است، ولی این نسبت صحیح نمی‌نماید. زیرا اولاً عتبی خود در آغاز بیان حال ابوالعباس اسفرائینی مینویسد که او از معاریف کتاب و مشاهیر اصحاب فائق بود و فائق چنانکه در مقاله پیش اشاره کردیم از سرداران بزرگ و توانا و با شوکت سامانیان بود و البته ابوالعباس اگر در زبان تازی مایه کامل نداشت در خدمت چنین سرداری بمقام دبیری مخصوص نمیتوانست رسید، خاصه در آن عهد که زبان تازی زبان رسمی دیوانی بشمار میرفت و دانشمندان و علما بدانستن آن زبان شناخته میشدند و بسیاری از شعرا بدان زبان شعر می‌گفتند و گفتن و نوشتن بزبان تازی نشانه فضل بود، چنانکه عتبی نیز احمد بن حسن را باستادی او در زبان تازی ستوده است.

ثانیاً از برخی از آثار دانشمندان زمان چنین برمی‌آید که بین ایشان و فضل بن احمد وزیر باب مکاتبات و مراسلات مفتوح بوده است و از آن جمله یکی ابوالفضل احمد بن حسین بن یحیی بدیع الزمان همدانی است که با این وزیر مکاتبه داشته و نمونه ای چند از مکاتبات عربی او را بفضل بن احمد در مجموعه رسائل وی میتوان یافت و درین صورت بدیهی است که وزیر در زبان عرب بی مایه نبوده است.

ثالثاً چنانکه خود عتبی در بیان احوال فرزندان ابوالعباس وزیر نگاشته است پسران او در کمال فضل بودند و مخصوصاً یکی از ایشان در زبان تازی بحدی دست داشت که بدان زبان شعر میسرود و عتبی خود ابیات چند از اشعار وی نقل کرده است. دختر وی نیز چنانکه خواهیم گفت محدثه بود چنانکه بگفته عقلی نویسنده آثار الوزراء کبار محدثان اسناد بعضی احادیث بدو کرده اند، و البته تا پدری خود فاضل و عالم نباشد چنین فرزندان دانا تربیت نمیتواند کرد.

بنابر این از آنچه گذشت چنین برمی‌آید که عتبی در اینجا نیز خوش آمده احمد بن حسن میمندی وزیر وقت را رعایت کرده و برای تحسین اقدام او در بازگرداندن دفاتر و مکاتبات دیوانی از پارسی بتازی زبان بطعن فضل بن احمد وزیر سابق گشوده و پارسی دوستی وی را دلیل بی‌مایگی و نپهی دستی او در زبان عرب شمرده است.

دلیل دیگری که از ایران دوستی فضل بن احمد و توجه مخصوص او بزنده کردن زبان فارسی در دست داریم آنست که این وزیر شاعر بزرگوار ایران فردوسی را بتألیف

نسخه کامل شاهنامه بنام سلطان محمود غزنوی برانگیخته و او را بصلات سلطان امیدوار ساخته است. چنانکه فردوسی خود در شاهنامه گوید:

نشتنگه فضل بن احمد است	کجا فضل را مسند و مرقد است
پرهیز و داد و بدین و برای	بند خسروانرا چنو کدخدای
که او برسر نامداران نکوست	که آرام این پادشاهی بدوست
پرستنده شاه و یزدان پرست	گشاده زبان ^۱ و دل و پاک دست
پراکنده رنج من آمد بسر	ز دستور فرزانه دادگر
پسندیده از دفتر راستان	بیوستم این نامه باستان

و در آغاز شاهنامه نیز در ضمن مدح سلطان محمود گفته است:

یکدی پاک دستور پیشش بیای بدارد بدین شاه را رهنمای

بازماندگان او ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی ظاهراً دو پسر و یک دختر داشته است. یکی از پسران او بنام ابوالقاسم محمد چنانکه

عربی در تاریخ یمنی نگاشته است « در فضل و فضائل بدرجت کمال رسیده بود و در بلاغت و براعت یگانه روزگار شده و در میان اکفا و اقربان برسر آمده و ذکر او در اقطار خراسان منتشر گشته و نظم و نثر او شایع و مستفیض شده و این ابیات از جمله قصیده ایست که در مدح پدر گوید:

لقد اربی ابو العباس جوداً	علی جود الربیع لمعنیه
فقی احدی یدیه ممات قوم	وفی الاخری الحیوة لمرتجیه
لقد خضعت لك المنیا ودانت	فهل مرقی سواه فترتقیه
و اقبل نحوك الاقبال حتی	غدا بصرأ و انت النور فیه
فتور ز الف نیروز سعیداً	رفیع الجدد فی عیش رفیه

و از روایت کردند که این قطعه در خواب انشا کرد و چون بیدار شد

برخاطر داشت:

۱ - ازینکه فردوسی هم وزیر را « گشاده زبان » میخواند میتوان استنباط کرد که

او مردی فاضل بوده است

اری دنیا و زخرفها ککاس تدور علی اناس من اناس
 فلا تبقى علی احد کمالا یدوم بقاؤها فی کفّ حاس
 ساحفظ عهده مادمت حیا وحفظ العهد من کرم النحاس
 ولی این پسر در عنفوان جوانی در گذشت و یکی از شعرای زمان در مرثیه
 او گفته است:

یا عین جودی بدم ساجم علی القتی الحرابی القاسم
 قد کاد ان یهدمنی فقدمه لولا التسلی بابی القاسم

برادر او ابوالحسن علی بن فضل معروف به حجاج نیز جوانی فاضل و عالم
 بوده و عتبی در باره او می نویسد: «علی بن الفضل موصوف بفضلی ساطع و علمی
 جامع و حلمی رزین و ادبی مبین جوانی باحصافت کهول و فاضلی بغایت مقبل و مقبول.»
 ابوالحسن علی پس از پدر مدتی عامل گوزگانان (جوزجان) بود و زمانی به
 حکومت نسا رسید و در هرکار کمال لیاقت و کاردانی خویش را پدید کرد. شعرای زمان
 او را بشجاعت و فضل^۱ و کاردانی و مخصوصاً بسخاوت بسیار ستوده اند و از آن جمله
 فرخی را در مدح او قصائد بسیار است که برعایت اختصار از نقل آنها خودداری میکنیم.
 دختر فضل بن احمد نیز چنانکه اشاره شد محدثه بوده است و محدثان بزرگ
 بسیاری احادیث را از گفته او نقل کرده اند.

۱ — علی بن فضل نیز با بدیع الزمان همدانی مکاتبه داشته و یکی از مراسلات بدیع الزمان
 باو در مجموعه رسائل وی باقیست.

ادراك و حقیقت

در میان مردم معدودی دارای آن نیروی تصور هستند که می توانند حقائق را
 دریابند ولی برعکس تمام مردم دوست دارند افکار خود را بمظاهر شگفت انگیزی در آورند
 و همین امر سبب می شود که دچار اشتباه گردند.